



امتحان حضرت زهرا(س) پیش از خلقت و در عالم نور و اعیان ثابته

در زیارت حضرت زهرا(س) می‌خوانیم: «سلام بر تو بانویی که خداوندی که تو را آفرید، پیش از آفرینش، تو را امتحان کرد و در این امتحان تو را صابر یافت»؛ این امتحان در عالم اعیان ثابته و عالم نوری است.

در زیارت حضرت زهرا(س) می‌خوانیم: «سلام بر تو بانویی که خداوندی که تو را آفرید، پیش از آفرینش، تو را امتحان کرد و در این امتحان تو را صابر یافت»؛ این امتحان در عالم اعیان ثابته و عالم نوری است.

محمد اسدی گرمارودی، مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شریف در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به بیان مطالبی در خصوص خلقت نوری حضرت زهرا(س) پرداخت.

این استاد دانشگاه با ذکر مقدمه‌ای درباره خلقت نوری ائمه معصومین(ع)، به خصوص حضرت زهرا(س)، اظهار کرد: از بین آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومین(ع)، هم با معیار عقل و هم معیار نقل، می‌توان برای بیان مطالبی پیرامون حقیقت نوری معصومین(ع) استفاده کرد. اگر با نظر قشری بخواهیم به این روایات نظر بیفکنیم، ممکن است دچار حیرت و درگیری اندیشه بشویم و اگر قدری تأمل و بررسی کنیم، مطالب بلند و بلیغی به دست ما می‌رسد.

وی افزود: به همین علت، علما و صاحب نظران این‌گونه مطالب را برای عموم مطرح نمی‌کردند و شاید بر طبق آن روایتی که از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است که «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»؛ این مطالب را فقط برای کسانی مطرح می‌کردند که قدرت فهم این مطالب را داشته‌اند. این مطلب مانند این کلام قرآن کریم در مورد پیامبر(ص) است که «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ...»؛ بگو من بشری چون شمایم»(کهف/110)، اما از طرف دیگر در همین قرآن کریم می‌بینیم که حقایقی بیان می‌شود که بسیار برجسته‌تر از آیات دیگر قرآن است و حقایقی را بازگو می‌کند.

این استاد دانشگاه با ذکر مثالی ادامه داد: این آیه شریفه که خطاب خداوند به ابلیس است، «...مَا مَتَّعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ»؛ چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری، آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری‌جویانی»(ص/75)، اگر با معیار سطحی و قشری به آیه نظری بیافکنیم، ذهن را به خود مشغول می‌کند. هم‌چنان‌که برای بزرگان علما و صحابه پیامبر(ص) و ائمه(ع) نیز این سوال مطرح شده است.

اهل بیت(ع) مصداق کلمه عالین

گرمارودی ادامه داد: در تفسیر نورالثقلین یا دیگر تفاسیر روایی ما آمده است که شخصی خدمت امام صادق(ع) رسید و پرسید: یا بن رسول‌الله! این که خداوند می‌فرماید «...مَا مَتَّعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ»؛ چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم، سجده آوری آیا تکبر نمودی و در ادامه این آیه آمده است: «...أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ»؛ یا از [جمله] برتری‌جویانی»، مصداق «عالین» چه کسانی هستند؟ از آیه فهمیده می‌شود، یک موجودات عالی بودند که از سجده کردن معاف بودند و خداوند به ابلیس فرمود تو مگر از این موجودات عالی بودی که سجده نکردی. در زمان خلقت آدم یک دسته موجودات بودند که از سجده کردن به آدم معاف بودند و الا بر طبق آیه «إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...»؛ چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید»(بقره/34)، همه فرشتگان و جنیان که قبل از آدم خلق شده بودند و سر دسته آن‌ها هم که ابلیس بود، ملتزم به سجده در برابر آدم بودند.

وی افزود: پس این «؛عالمین» که نباید سجده کنند، چه کسانی هستند؟ امام صادق(ع) در جواب آن شخص می‌فرماید: «؛عالمین» انوار مقدسه معصومین(ع) بوده است که آنها قبل از خلقت کل مخلوقات عالم، آفریده شده بودند و این‌ها برتر از مقام آدم بودند و لذا آن‌ها نباید به حضرت آدم(ع) سجده می‌کردند و ابلیس چون دید آن‌ها سجده نکردند، این حسادت و این تکبر در او ایجاد شد که پس من چرا سجده کنم که خداوند این سرزنش، انتقاد یا توبیخ را برای ابلیس داد که تو خیال کردی که در سطح آن‌ها هستی که می‌خواهی آن‌ها را سجده نکنی؟

کلمات القا شده به آدم(ع) اهل بیت(س) هستند

این پژوهش‌گر قرآنی در ادامه گفت: در ماجرای خلقت حضرت آدم(ع) هم به عنوان مثال در جوامع غیرشیعی نظیر کتاب «؛الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور» سیوطی یا «؛کنز العمال» متقی هندی، ذیل آیه شریفه «؛فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ...» سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و [خدا] بر او ببخشد»(بقره/37)، آمده است که از پیغمبر اسلام(ص) پرسیدند این کلمات چه چیزی بوده است که حضرت آدم(ع) از طرف خدا یادگرفت؟ سیوطی در الدر المنثور جلد اول، صفحه 60 و متقی هندی در کنز العمال، جلد دوم صفحه 358 بیان می‌کنند که خداوند به حضرت آدم(ع) این را یاد داد که بگو «؛قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي اسألك بحق محمد و آل محمد». حتی در بعضی از منابع هم داریم که این عبارات «؛یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن، یا قديم الاحسان بحق الحسين» را خداوند به حضرت آدم(ع) یاد داد و حضرت آدم(ع) این‌ها را مطرح کرد و توبه‌اش پذیرفته شد.

گرمارودی گفت: این چه نوع وجودی و چه نوع حقیقتی است؟ نقل حضرت پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان در قبل از خلقت آدم مطرح بوده است که آدم(ع) باید به صورت يك حقیقتی، از آن‌ها استفاده کند. همین مطلب نیز در منابع شیعه و سنی آمده است. مرحوم علامه امینی در الغدير، جلد هفتم، صفحه 300 از منابع اهل سنت نقل کرده است. همچنین در منابع شیعه هم مفصل آمده است که زمانی که حضرت آدم(ع) آفریده شد و فرشتگان مامور به سجده شدند، آدم(ع) به خودش بالید که من این چنین مقامی دارم که همه مخلوقات پروردگار باید به من سجده کنند. بعد از خداوند پرسید: آیا مخلوقی محبوب‌تر از من وجود دارد یا نه؟

وی ادامه داد: خداوند در جواب حضرت آدم(ع) گفت: «؛نعم ولولا هم، ما خلقتك و قال یارب اربنونی، فإوحى الله تعالى الى ملائكة الحجب ان ارفعوا الحجب، و لما رفع اذا آدم بخمسه اشباه قدام العرش، قال یارب من هولاء، قال یا آدم هذا محمد نبی(ص) وهذا علی امیرالمومنین(ع) ابن عم نبی و وصیه هذه فاطمه(س) ابنة نبی و هذان الحسن و الحسین(ع) ابن علی(ع) و ولدا نبی؛ اگر آن‌ها نبودند، اصلاً تو را خلق نمی‌کردم، آدم(ع) اظهار کرد: این‌ها را به من نشان بده که این‌ها چه کسانی هستند؟ خداوند به ملائک ماموری که حجاب‌ها را مقدر می‌کردند، دستور فرمود که رفع حجاب کنند. وقتی از سمت آدم حجاب‌ها برطرف شد، پنج شبه را در پیشگاه عرش الهی دید و پرسید: این‌ها چه کسانی هستند و خداوند این پنج تن را معرفی کرد».

وی افزود: وقتی این آیات و روایات را می‌بینیم که حجم این روایات هم نسبتاً فراوان است، منابع و سندش هم با توجه به نقل ذیل آیات و اشاره به آیات قابل اغماض نیست؛ از يك طرف می‌بینیم که این قضایا حقیقت دارند و این حقیقت قبل از خلقت حضرت آدم(ع) مطرح بوده است و لذا آن روایت که پیامبر(ص) فرمودند «؛اول ما خلق الله نوری» و مرحوم آیت‌الله کمپانی این حدیث را به شعر برگردانده: «؛ای نور تو صادر نخستین/ وی مصدر هرچه هست مشتق// ای فاتحه کتاب هستی/ هستی ز تو یافته است رونق». بعد هم فرمودند: «؛انا و علی من شجرة واحدة و سائر الناس من شجرة شتى» یا راجع به خودشان و حضرت زهرا(س) و دوازده امام فرمودند: «؛كلهم نور واحدة». این قبیل روایات يك حقیقت نوری را برای 14 معصوم قائل است که اهل بیت قبل از این عالم ظاهری در قدام عرش الهی موجودیت داشته‌اند.

محمد اسدی گرمارودی:

در بین محدثان اهل سنت، سیوطی در الدر المنثور و متقی هندی در کنز العمال بیان می‌کنند که خداوند به حضرت آدم(ع) این را یاد داد که بگو «؛قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي اسألك بحق محمد و آل محمد»

گرمارودی اضافه کرد: از طرف دیگر در خصوص آیه شریفه «؛قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ...» بگو من بشری چون شمایم»، اگر افراد اهل بررسی و تعمق نباشند، دچار نوعی حیرت می‌شوند. لذا خیلی این مسائل را برای عموم مردم باز نکردند، اما اگر بخواهیم این

مطلب را باز کنیم، مطلب خیلی روشن و در يك سطح بالا و قابل استفاده است.

وی افزود: خداوند يك عالم علم دارد که در اصطلاح عرفا به آن عالم اعیان ثابت می‌گویند. یعنی ذات اقدس الهی، ذات عامل واجد جمیع صفات جمالیه و کمالیه است و یکی از صفات کمالیه تجلی و ظهور و بروز است. اگر خداوند نخواهد که بروز کند، امساک فیض است. بلا تشبیه اگر يك عالم بسیار در سطح بالا که می‌تواند علمش را بروز بدهد و بقیه مردم از او استفاده کنند، اگر علمش را بروز ندهد، این هم نوعی امساک فیض است. خداوند امساک فیض نمی‌کند و می‌خواهد تجلی و بروز کند. فعل خدا و خلق خدا تجلی خدا است.

مؤلف تفسیر آیات مشکله قرآن ادامه داد: امام علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الحمد لله المتجلی لخلقه بخلقه». اولین تجلی، اولین رتبی و اولین درجه بالا است که به اقتضای قرب حضرت حق در عالم تکوین در قوس نزول هستی باید درجه ممکن از فیض را داشته باشد. یعنی از نظر مخلوقیت، از او بالاتر وجود نداشته باشد. چون اول مخلوق الهی و اول صادر الهی ایجاد بشود، این تجلی خود خدا نباید باشد، زیرا پدیده الهی است: «الله نور السموات والأرض.....، خدا نور آسمان‌ها و زمین است»(نور/35) که بر مبنای آن، سنخیت این اول پدیده باید نور باشد.

تکلیف بالاتر ائمه معصومین متناسب با مقام وجودی برتر ایشان

گرمارودی افزود: این حقیقت نوری معصومین(ع) در علم الهی است. اگر کسی بگوید این حقیقت نوری معصومین(ع) در عالم علم الهی و در عالم تجلی خارجی از فیض اقدس به فیض مقدس ظهور و نمود پیدا می‌کند و بر این اساس، معصومین(ع) يك تافته جدا بافته‌اند؟ جواب این سوال این است که اگر انسان را خداوند خیلی برتر از حیوان آفریده، از این جهت انسان يك تافته جدا بافته نسبت به حیوان است، اما آیا این جبر رفتاری درست می‌کند یا تکلیف انسان را نسب به حیوان بالاتر می‌برد؟ تکلیف انسان بالاتر می‌رود. همان‌طوری‌که در بین انسان‌ها، بعضی از انسان‌ها خوش استعدادند، نخبه‌اند این افراد طبعا يك ویژگی‌هایی پیدا کرده‌اند که بر مبنای این ویژگی، به اجبار پیشرفت نمی‌کنند. اینان اختیار دارند و مسئولیتشان سنگین است.

گرمارودی همچنین خاطرنشان کرد: خداوند متعال هم وقتی مقام حضرت زهرا(س) را با آن مقام نوری، آن خمسه طویه یا آن چهارده معصوم، نورشان در قدام عرش الهی صادر اول است، می‌گوییم به اقتضای آن وجود نوری، وقتی در این عالم می‌آید، در این عالم تکلیفشان سخت‌تر است. لذا در زیارت روز یکشنبه حضرت زهرا(س) می‌خوانیم: «السلام عليك یا ممتحنة امتحنك الله الذی خلقك قبل ان یخلقك و وجدك لما امتحنك صابره؛ سلام بر تو بانویی که خداوندی که تو را آفرید، پیش از آفرینش، تو را امتحان کرد و در این امتحان تو را صابر یافت». این امتحان در عالم اعیان ثابت و عالم نوری است.

وی در پایان گفت: بر این اساس، معصومین(ع) هم مقام و موقعیت خود را به اقتضای آن وجود نوری در موقعیت برتری قرار می‌دهند. امیرالمومنین(ع) در نامه به عثمان بن حنیف می‌فرماید: من این‌طور زندگی می‌کنم، اما شما قادر نیستید مثل من باشید، با این حال باید از من تبعیت کنید. پس وجود نوری آن حقیقت وجودی معصومین(ع) است، همان‌طوری که حقیقت وجودی بنده و شما نفس و روح است و بدن نیست؛ روح ما يك موجود پاک عالم امر است، اما حالا که این روح به ما داده شده و آمده‌ایم در این عالم، چون روح از عالم پاک است، ما به اجبار پاک می‌مانیم؟ نه ممکن است این روح را آلوده کنیم و خدای ناکرده گناه‌کار بشویم. حقیقت نوری ائمه معصومین(ع) از عالم نور اولیه هستند، اما چون در این عالم می‌آیند، اختیار دارند و اگر خدای نکرده بخواهند گناه بکنند، می‌توانند، اما مرتکب گناه نمی‌شوند. ائمه(ع) وجود نوری‌شان را حفظ می‌کنند، لذا این مقام عالی را پیدا کرده‌اند.